




Typology of Islamic Pottery Obtained from Jizd, Rushtkhār, Khorasan Razavi

Dr. Parastoo Masjedi Khak  (Corresponding Author), Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Email: p.masjedi@neyshabur.ac.ir

Amir Ebrahimi, M.A. Graduate of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Dr. Hasan Nami, Faculty Member, Archeology Department, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Zahra Dehnooyi, M.A. Student of Archelogy, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Fatemeh Afshar, M.A. Student of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, Mazandaran University, Babulsar, Iran

Maryam Attar, M.A. Graduate of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Susan Mo'azzen, M.A. Graduate of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Neyshabur, Khorasan Razavi, Iran

Abstract:

The Islamic town of Jizd, covering an area of approximately 45.5 hectares, is located 12 kilometers away from the city of Rushtkhār. According to resources and texts from the Islamic era, the town was of great importance during 5th-8th centuries A.H./ 11th-14th centuries A.D., until it was eventually abandoned as a result of earthquake.

Information about the town of Jizd is scarce. Therefore, the town was systematically studied in the summer of A.S. 1400/ A.D. 2021, given its significance during the Islamic Middle Ages. The study aims at introducing and classifying the pottery obtained from this area, as well as answering the following questions: Which types of Islamic pottery are identifiable in the town of Jizd? And to which time period are the clay findings dated? The study employs a descriptive-analytical approach and is based on data gathered from library and field studies. The results indicate that clay findings from this site can be classified in two main groups: glazed and unglazed. Comparative studies on the clay finding prove that the history of habitation in the area dates back to 4th century A.H. / 10th century A.D. Considering the presence of Celadon pottery, pseudo-Celadon pottery, and a few pieces resembling Kūbāchī indigo blue, it seems that the area was inhabited limitedly up until around 9th-10th centuries A.H./15th-16th centuries A.D.

Keywords: Khorasan, Rushtkhār, Jizd area, pottery





سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۹ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۴۶ - ۹	HomePage: https://jhstory.um.ac.ir
شاپا چاپی ۷۰۶ x ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱-۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۴	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰	DOI: https://doi.org/10.22067/jhstory.2023.80419.1196
نوع مقاله: پژوهشی	

گونه‌شناسی سفال‌های اسلامی به‌دست آمده از شهر جیزد رشتخوار، خراسان رضوی

دکتر پرستو مسجدی خاک (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران

Email: p.masjedi@neyshabur.ac.ir

امیر ابراهیمی / دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران

دکتر حسن نامی / عضو هیات علمی گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران

زهرا دهنویی / دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران

فاطمه افشار / دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مریم عطار / دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران

سوسن موذن / دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، خراسان رضوی، ایران

چکیده

شهر اسلامی جیزد، با وسعتی حدود ۴۵/۵ هکتار، در ۱۲ کیلومتری شهر رشتخوار قرار دارد. با توجه به منابع و متون دوره اسلامی، این شهر که در قرون ۵-۸ هجری دارای اهمیت بسیار بوده، سرانجام در نتیجه زلزله متروک شده است. اطلاعات پیرامون این شهر بسیار محدود است؛ لذا با توجه به اهمیت این محوطه در قرون میانی اسلامی، شهر جیزد در تابستان ۱۴۰۰ مورد بررسی ووشمند قرار گرفت. هدف از این پژوهش، معرفی و دسته‌بندی سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه است. این پژوهش درصدد است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که کدام یک از انواع سفال‌های اسلامی در شهر جیزد قابل شناسایی است؟ یافته‌های سفالی مورد مطالعه در کدام بازه زمانی تاریخ‌گذاری می‌شوند؟ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. نتایج پژوهش فوق نشان داد که یافته‌های سفالی این محوطه، در دو گروه اصلی بدون لعاب و لعاب‌دار قرار می‌گیرند و بر اساس مطالعات مقایسه‌ای سفال‌های محوطه، سابقه سکونت در محوطه به قرن ۴ هجری برمی‌گردد و با توجه به وجود سفال‌های گونه سلادون، بدل سلادون و چند قطعه مشکوک به سفال کوباچه نوع آبی نیلی، به نظر می‌رسد که محوطه تا حدود قرن ۹-۱۰ هجری به‌صورت محدود مسکونی بوده است.

کلیدواژه‌ها: خراسان، رشتخوار، محوطه جیزد، سفال.

مقدمه

محوطه جیزد، که در ۱۲ کیلومتری شهر رشتخوار قرار دارد، از شهرهای مهم دوره اسلامی است، که با توجه به آنچه در منابع و متون دوره اسلامی آمده، از قرن ۵ تا ۸ هجری مسکونی بوده و جزء ولایت خوواف محسوب می شده است. این شهر دارای ارگ مرکزی، حصار، برج و بارو و خندق بوده است. در قدیمی ترین متون جغرافیایی مانند معجم البلدان، زوزن و خوواف از جمله ده شهر عمده خراسان و جزء ناحیه نیشابور به حساب آمده است.^۲ فصیح به نقل از مقدسی، خوواف و زاوه و سنجان را در محدوده ربع نیشابور، و خرگرد و فرگرد را در محدوده ربع هرات آورده است.^۳

لازم به ذکر است که زوزن و خوواف در سده های نخستین هجری از مراکز علمی بزرگ و پررونق بوده است. قرارگیری این دو شهر در موقعیت ارتباطی بین حوزه های هرات، قهستان، نیشابور و در قلب خراسان بزرگ آن زمان موجب اهمیت این دو شهر شده بود.^۴

در ذکر واقعه زلزله جیزد آورده اند که شهر زاوه و قریه های اطراف آن هنوز از زلزله هجوم چنگیز آرام نشده بود که بیماری و با جان هزاران تن از اهالی جیزد را گرفت. به روایت فصیح خووافی، شهر جیزد در سال ۷۳۷ق به واسطه زلزله ای بزرگ و ویرانگر منهدم و متروک شده است.^۵ شایان ذکر است محوطه اسلامی جیزد، در سال ۱۳۵۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.^۶ بنابراین با توجه به اهمیت محوطه جیزد در قرون میانی اسلامی و کمبود اطلاعات پیرامون این شهر اسلامی، این محوطه در تابستان ۱۴۰۰ مورد بررسی روشمند قرار گرفت. هدف از این پژوهش معرفی و دسته بندی سفال های به دست آمده از این محوطه است. این پژوهش درصدد است به این پرسش ها پاسخ دهد که چه گونه هایی از سفال های اسلامی در شهر جیزد قابل شناسایی است؟ یافته های سفالی مورد مطالعه در کدام بازه زمانی تاریخ گذاری می شوند؟

پیشینه پژوهش

مردم منطقه، از محوطه جیزد با نام های جیح، جیزه و دیج نیز یاد می کنند. در لغت نامه دهخدا، جیزه به

۲. حموی، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، ۱۱۹.

۳. فصیح خووافی، مجمل فصیحی، ۵۲.

۴. خسروی، جغرافیای تاریخی ولایت زاوه، ۱۵۸.

۵. فصیح خووافی، مجمل فصیحی، ۵۲.

۶. توحیدی، گزارش ثبت شهر باستانی جیح.

معنی ناحیه، شربتی از آب و توشه‌ای که برای یک روز به مسافران بدهند تعبیر شده است.^۷ در رابطه با پژوهش‌های صورت گرفته درباره منطقه مورد مطالعه می‌توان به کتاب جغرافیای شهرستان تربت حیدریه و رشتخوار اثر غلامرضا قویدل و همکارانش و کتاب جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان رشتخوار اثر رحمان پور و همچنین کتاب جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی شهرستان رشتخوار از رحمان پور اشاره کرد، که در این کتاب‌ها به صورت مختصر، به معرفی محوطه جیزد پرداخته شده است.^۸ از مطالعات دیگر صورت گرفته در رابطه با منطقه رشتخوار، کتاب معرفی آثار باستانی شهر رشتخوار، اثر هاشم جنگی است که به شکلی مختصر به محوطه جیزد و موقعیت آن اشاره کرده است.^۹ همچنین می‌توان به گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان رشتخوار توسط جواد زنگنه اشاره کرد، که از جنوب تا بخش مرکزی شهرستان را به منظور حفاظت از عرصه و حریم آثار باستانی، مورد بررسی باستان‌شناسی قرار داده است.^{۱۰} جواد زنگنه همچنین در پایان‌نامه‌اش به بررسی و تحلیل استقرارهای دوره پیش از تاریخ رشتخوار، به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) پرداخته است.^{۱۱} زهره حسینی رشتخوار، در پایان‌نامه‌اش کتیبه خط ثلث مسجد جامع رشتخوار را مورد مطالعه زیبایی‌شناسی قرار داده است.^{۱۲} ناصر آزاد نیز در پایان‌نامه‌اش با عنوان نقشه برداری هوایی با پهباد جهت تهیه نقشه توپوگرافی، به تهیه نقشه از مسیر راه و آبراه رشتخوار پرداخته است.^{۱۳} به طور کلی، پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون شهر اسلامی جیزد، بسیار اندک و در حد معرفی محوطه است؛ از جمله می‌توان به چکیده مقاله کامیاب و فلاح مهینه با عنوان «بررسی تاریخی و باستان‌شناختی شهر جیزد رشتخوار» اشاره کرد.^{۱۴} نگارندگان نیز در مقاله‌ای به معرفی سفال‌های بدون لعاب با نقش کنده و نقش افزوده محوطه جیزد پرداخته‌اند.^{۱۵} بنابراین با وجود اهمیت شهر تاریخی محوطه جیزد در قرون میانی اسلامی، پژوهش‌ها و اطلاعات پیرامون این محوطه بسیار محدود است و همین مسئله موجب انجام پژوهش حاضر شد. در این مقاله سعی بر آن شده است با بررسی روشمند

۷. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۶.

۸. قویدل، رحیمی و محسن‌نیا، جغرافیای شهرستان تربت حیدریه: به انضمام شهرستان رشتخوار و مه ولات؛ رحمان پور، جغرافیای تاریخی و گردشگری

شهرستان رشتخوار؛ رحمان پور، جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی شهرستان رشتخوار.

۹. جنگی، رشتخوار در مسیر توسعه پایدار.

۱۰. زنگنه ابراهیمی، بررسی باستان‌شناسی شهرستان رشتخوار.

۱۱. زنگنه ابراهیمی، بررسی و تحلیل استقرارهای دوره پیش از تاریخ رشتخوار به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS).

۱۲. حسینی رشتخوار، زیبایی‌شناسی خط ثلث در کتیبه مسجد جامع رشتخوار (دوره خوارزمشاهیان).

۱۳. آزاد، نقشه برداری هوایی با پهباد جهت تهیه نقشه توپوگرافی (مطالعه موردی: مسیر راه و مسیر آبراه).

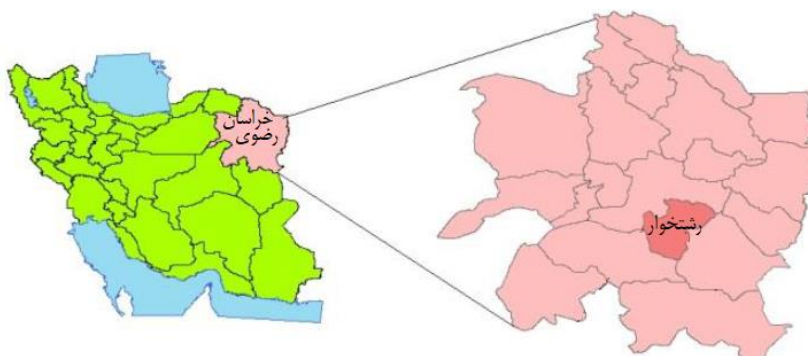
۱۴. کامیاب و فلاح مهینه، «بررسی تاریخی و باستان‌شناختی شهر جیزد رشتخوار»، ۹۵.

۱۵. مسجدی و ابراهیمی، «معرفی سفال‌های نقش کنده و نقش افزوده محوطه اسلامی جیزد شهرستان رشتخوار»، ۱-۱۷.

باستان شناسی به معرفی و گونه شناسی سفال های به دست آمده از محوطه جیزد پرداخته شود.

معرفی محوطه

شهر جیزد، در ۶۲ کیلومتری شهر تربت حیدریه و ۱۲ کیلومتری شهر رشتخوار، در دامنه تپه های جنوبی روستای اکبر آباد قرار دارد. طبق تقسیمات سیاسی فعلی کشور، شهر جیزد در شهرستان رشتخوار قرار گرفته است (تصویر ۱). شهر باستانی جیزد، وسعتی در حدود ۴۵/۵ هکتار دارد و در متون تاریخی متعلق به قرون میانه اسلام، از قصبات ولایت خواف به شمار می رفته است. منابع اسلامی به رونق شهر جیزد در قرون ۵-۸ هجری قمری اشاره کرده اند، این در حالی است که اطلاعات پیرامون این محوطه، بسیار ناچیز است؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، شهر جیزد مورد بررسی روشمند باستان شناسی قرار گرفت.



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی رشتخوار در استان خراسان رضوی

نحوه انجام بررسی

با هدف سهولت انجام بررسی و تحلیل آسان تر داده های به دست آمده از قسمت های مختلف محوطه، سطح محوطه جیزد به چهار بخش اصلی (تصویر ۲) و چند بخش فرعی تقسیم شد. بر اساس عکس های هوایی، شهر جیزد، شهری خطی با جهت شمال غرب-جنوب شرق است و شکل خطی آن، به دلیل جریان های فصلی و فعالیت های جوی، اقلیمی، در چند ناحیه دچار گسست شده است. برای ثبت و مستندسازی صحیح و علمی یافته ها، نیاز به شبکه بندی سطح محوطه و کدگذاری هر یک از مربع ها بود؛ در نتیجه تقسیم بندی سطح محوطه به چهار ناحیه اصلی و چندین زیرگروه، امکان جدول کشی آسان تر و جداگانه در هر بخش را امکان پذیر ساخت. تمام سطح هر زیرگروه، به خانه های ۱۰*۱۰ متر (۱۰۰ مترمربع) تقسیم و

با کمک نخ و میخ‌های چوبی جدول‌کشی شد و یافته‌های این خانه‌ها ثبت و عکاسی گردید (تصویر ۳).



تصویر ۲- تقسیم‌بندی چهارگانه نواحی محوطه جیزد (عکس از نگارندگان بر اساس Google earth)



تصویر ۳- آماده‌سازی و نخ‌کشی جهت مربع‌های ۱۰*۱۰ متر برای نمونه‌برداری (نگارندگان، ۱۴۰۰)

طبقه‌بندی سفال‌های محوطه

جهت انجام تاریخ‌گذاری نسبی به کمک سفال، لازم است داده‌های سفالی، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی گردد. سفال‌های ثبت‌شده از بررسی روشمند محوطه جیزد به دو گروه کلی سفال‌های لعاب‌دار و سفال‌های بدون لعاب تقسیم شده‌اند که ۵/۷۵۸ قطعه متعلق به سفال لعاب‌دار و ۴/۴۸۳ قطعه مربوط به سفال‌های بدون لعاب است که در ادامه به معرفی هر گروه پرداخته خواهد شد.

سفال‌های بدون لعاب

یکی از فراوان‌ترین گونه سفال‌های به‌دست‌آمده از محوطه جیزد، سفال‌های بدون لعاب است که این دسته از سفال‌ها، خمیره نخودی و قرمز دارد و شامل سفال‌های ساده، سفال‌های با نقش‌کنده، سفال با تزئین

افزوده، سفال ترکیبی نقش کنده-افزوده، سفال استامپی، سفال ترکیبی استامپی-کنده و سفال های با تزیین قالبی است. در این میان سفال های با نقش کنده و نقش افزوده از فراوانی بیشتری برخوردار است. در ادامه به معرفی سفال های بدون لعاب محوطه جیزد پرداخته می شود.

سفال با نقش کنده

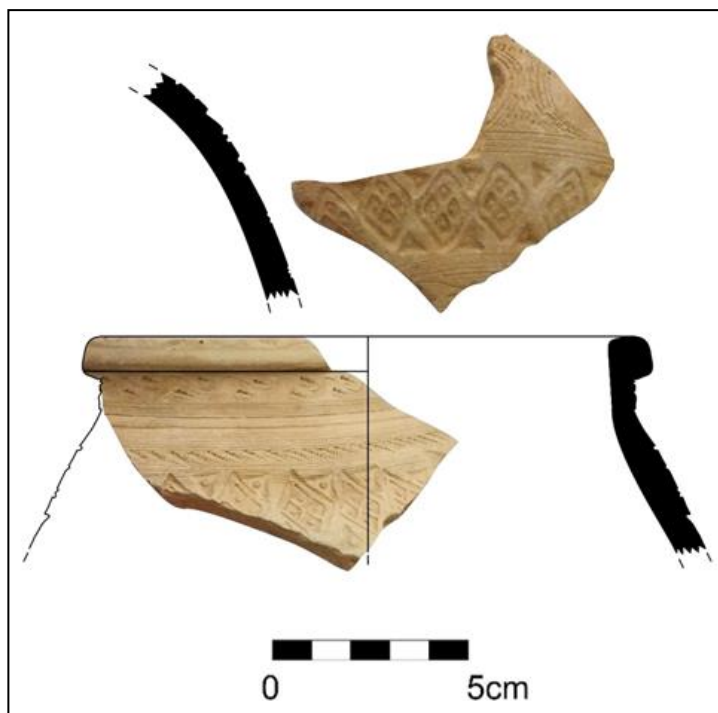
این سفال ها دارای خمیره نخودی و قرمز هستند و نقوش در قسمت بدنه (شکم)، گردن و لبه ظروف ایجاد شده است. اشکال ایجاد شده متنوع و شامل سفال های با نقش کنده منظره ای با تصاویری از کوه، درختان و نقوش گیاهی؛ سفال های با نقش کنده زیگزاگ یا شانه ای؛ سفال های با نقوش کنده دواپر متحدالمرکز و نقش کنده ریلی مانند؛ سفال های با نقش کنده شانه ای افقی به همراه نقش کنده موج شانه ای و نقوش حصیری مانند؛ سفال های با نقش کنده ایجاد شده با ابزاری مثلثی شکل و تزیین کنده نواری؛ سفال های با نقش کنده جناغی شانه ای؛ سفال های با نقش کنده ماریچ شانه ای به همراه نقش کنده خطی عمودی؛ سفال های با نقش کنده شانه ای افقی به همراه نقش کنده موج؛ سفال های با نقش کنده شانه ای افقی؛ سفال با نقش کنده دایره ای؛ سفال با نقش کنده ریلی و نقش کنده اریب؛ سفال های با نقش کنده ماریچ درهم به همراه نوارهای عمودی کنده؛ سفال های با نقش کنده و افزوده که غالباً به شکل درپوش دیگ هستند؛ سفال های با نقش کنده ضربه ای که با ابزار شانه ای ایجاد شده اند؛ سفال با نقش کنده حصیری با حفره هایی در مرکز هر خانه یا شبکه؛ سفال با نقش کنده لوزی شکل که به وسیله ابزاری با نوک لوزی شکل طرح ها ایجاد شده است.



تصویر ۴- نمونه سفال های با نقش کنده محوطه جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

سفال استامپی

یکی دیگر از انواع سفال‌های دوره اسلامی، سفال استامپی یا مهر زده است. استفاده از روش استامپ برای تزیین سفال‌ها حداقل از دوره اشکانی و ساسانی مورد استفاده بوده است.^{۱۶} سفال‌های استامپی محوطه جیزد دارای خمیره نخودی و طرح‌های هندسی هستند (تصویر ۵). نمونه‌های این نوع سفال از محوطه قلعه سنگ کرمان (تصویر ۶)،^{۱۷} بیشاپور فارس (تصویر ۷)^{۱۸} و شهر کهن جیرفت (تصویر ۸)^{۱۹} گزارش شده است. نقوش ذکرشده در این روش شامل نقوش پرندگان، دواير، نام سازنده، دواير فشرده ریز است.^{۲۰}



تصویر ۵- سفال‌هایی با نقوش استامپی، به‌دست‌آمده از محوطه جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

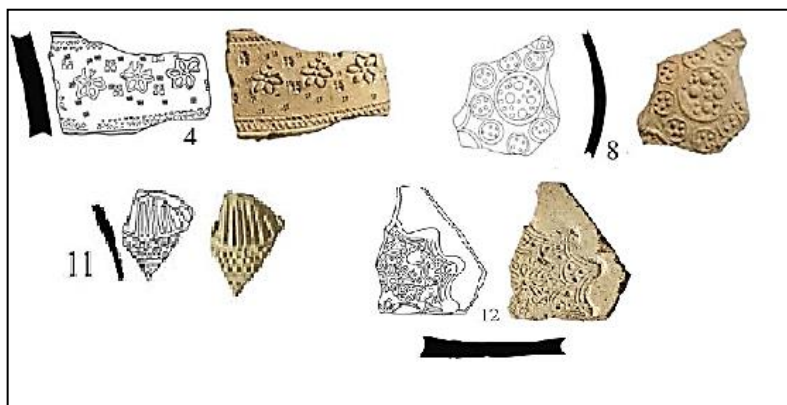
۱۶. دژم خوی، «نظری اجمالی بر سفال قالب‌زده عصر سلجوقی».

۱۷. امیر حاجیلو و صدیقیان، «مطالعه باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه قلعه سنگ؛ شهر قدیم سیرجان».

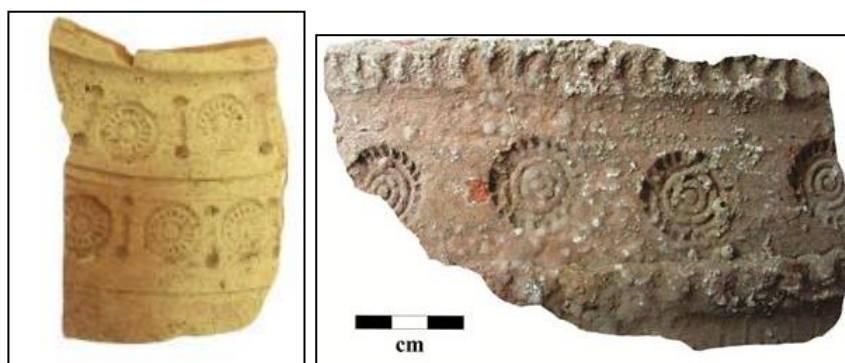
۱۸. امیری، موسوی کوهپرو خادمی ندوشن، «طبقه بندی و گونه‌شناسی سفال‌های ساسانی-اسلامی بیشاپور».

۱۹. چوبک، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت».

۲۰. همو.



تصویر ۶- سفال استامپی قلعه سنگ کرمان (امیرحاجیلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: تصویر ۵)



تصویر ۷- سفال با نقش استامپی از دوره اسلامی بیشاپور

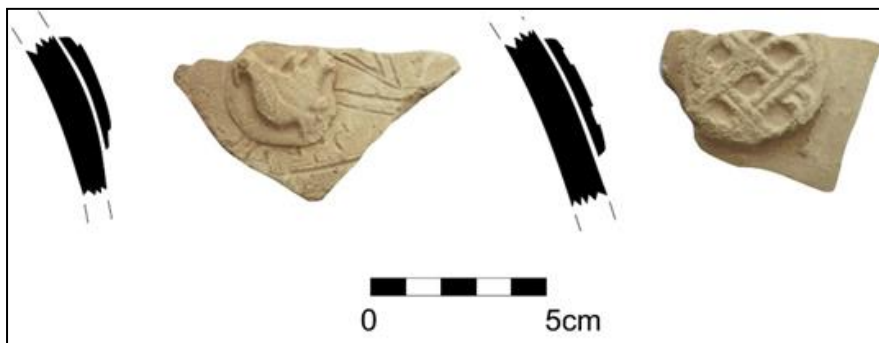
(امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: تصویر ۲۳)

تصویر ۸- سفال با نقش استامپی، محوطه شهر کهن جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱: تصویر ۱۹)

سفال ساده با نقش افزوده

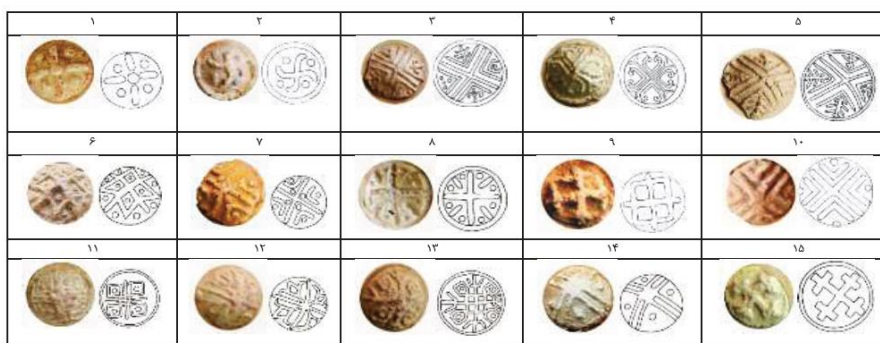
یکی از تکنیک‌های تزئین سفال‌های ساده دوره اسلامی، تزئین به روش افزوده است. سفال‌های با نقش افزوده جیزد را به دو گروه کلی می‌توان تقسیم کرد. یک گروه سفال‌هایی است که طرح‌های انگوری شکل دارند و به نظر می‌رسد بعد از اینکه سفال نیمه خشک شده و قبل از پخت، تکه‌های کوچکی را چسبانده و با ابزاری آن را به شکل دو دایره درهم درآورده‌اند، و تعداد ۲ قطعه از این نمونه به دست آمد. دسته دوم

نمونه‌هایی است که تزیینات هندسی دارند و طرح‌های آن‌ها بسیار شبیه طرح‌های مهرهای دوره مس-سنگ و عصر مفرغ است. این نمونه‌ها اغلب طرح‌های متنوع و ترکیبی از نقوش کنده‌شانه‌ای، افقی، موج، حصیری و مارپیچ درهم دارند؛ از نمونه‌های جالب این گروه، نمونه‌ای با نقشی شبیه پرنده‌ای مانند کبوتر است (تصویر ۹). اگرچه این نقوش اغلب هندسی هستند، اما نمونه‌هایی به شکل گل نیز دیده می‌شود. از این گروه از سفال‌ها در مجموع ۲۲ نمونه به دست آمد، که ۲۰ عدد تزیین قبه‌ای دارد، ۲ عدد طرح انگوری، ۲ عدد طرحی شبیه گل و یک نمونه طرح حیوانی دارد. نمونه‌های مشابه جیزد از قروه، نیشابور و ری گزارش شده است (تصویر ۱۰).^{۲۱}



تصویر ۹- دو قطعه سفال با نقش افزوده قبه‌ای با شکل هندسی و پرنده، به دست آمده از بررسی جیزد

(نگارندگان، ۱۴۰۰)



تصویر ۱۰- تزیین افزوده بر سفال‌های قلعه کوه قاین از اواسط دوره اسلامی

(انوری مقدم و دیگران، ۱۴۰۰: جدول ۲)

۲۱. شریفی و زارعی، «بررسی و مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت قروه استان کردستان».

سفال قالبی

سفال های قالبی دارای طرح های تزیینی برجسته هستند و نقش مایه های آنان شامل اشکال هندسی، حیوانی، گیاهی، ترکیبی و کتیبه است. نمونه های مشابه این سفال ها از نیشابور، ری، استخر، ساوه، شوش، زلف آباد فراهان، انداجین همدان و بیشاپور فارس به دست آمده است (تصویر ۱۱).^{۲۲} این نوع سفال را با کمک ۲ تا ۳ قالب مجزا ایجاد می کردند. برای این کار گل را با فشار دست به بدنه قالب می چسبانند و به این ترتیب گل، طرح قالب را به خود می گرفت و پس از جدا کردن ظرف از قالب و خشک شدن ظرف گلی آن را درون کوره می بختند. این تکنیک از دوره اشکانی و برای شکل دادن به برخی اشکال ظروف لعاب دار نیز رایج بوده است.^{۲۳} برخی معتقدند این تکنیک به منظور تقلید از آثار فلزی، گچی و همچنین احیای خاطرات و فرهنگ ساسانی در دوره اسلامی حفظ و مورد استفاده قرار گرفته است.^{۲۴} این تکنیک از صدر اسلام و به ویژه در دوره سلجوقی مورد توجه بوده و در دوره ایلخانی نیز رواج داشته است.^{۲۵}

در محوطه شهر کهن جیرفت نقوش قالبی شامل موارد گوناگونی بوده است. یکی از موارد، خط نوشته های کوفی و نسخ بر روی لبه و به شکل نوارهای باریک و پهن با مضامین دعایی برای صاحب اثر است. از جمله ادعیه به کار رفته، «السعادة والسلامه والبقا والعز لصاحبه» و یا «العزوالاقبال والدوله لصاحبه» است. نقوش دیگر عبارتند از: نقش مایه های هندسی، گیاهی، جانوری مانند عقاب، کبوتر، طاووس، کبک، شیر، گراز، سگ و همچنین نقوش اسلیمی است.^{۲۶} نقوش تزیینی سفال های قالبی به دست آمده از محوطه جیزد عبارت اند از: نقوش هندسی، اسلیمی، جانوری (خرگوش) و کتیبه (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱- دو قطعه سفال قالبی با بقایای کتیبه، به دست آمده از بررسی جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

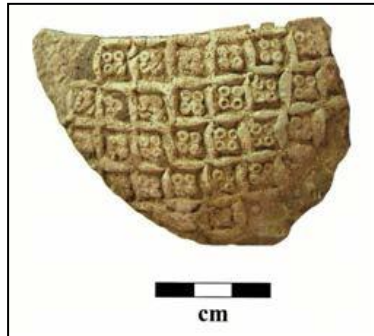
۲۲. کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوستگی تا عصر حاضر، ۴۶۹-۴۷۰؛ نعمتی، شراهی و صدرانی، «پژوهشی در سفالینه های قالب زده محوطه زلف آباد فراهان»، ۱۲۴؛ محمدی و رضانی، «بررسی و تحلیل گونه شناسی سفال های محوطه انداجین دشت همدان در ادوار سلجوقی و ایلخانی»؛ امیری، موسوی کوهری و خادمی ندوشن، «طبقه بندی و گونه شناسی سفال های ساسانی-اسلامی بیشاپور، مطالعه موردی: سفال های فصل نهم کاوش».

۲۳. نعمتی، شراهی و صدرانی، «پژوهشی در سفالینه های قالب زده محوطه زلف آباد فراهان»، ۱۲۵-۱۲۶.

۲۴. کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوستگی تا عصر حاضر، ۴۶۹-۴۷۰.

۲۵. محمدی و رضانی، «بررسی و تحلیل گونه شناسی سفال های محوطه انداجین دشت همدان در ادوار سلجوقی و ایلخانی»، ۹۷-۹۹.

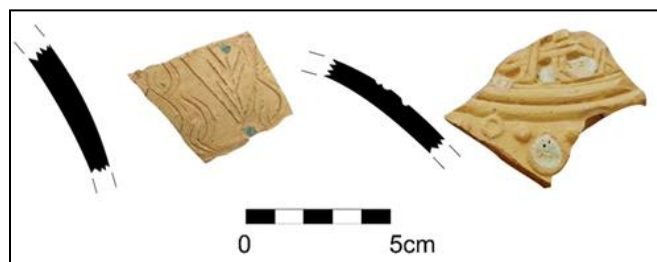
۲۶. چوبک، «سفالینه های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، ۸۶-۸۴.



تصویر ۱۲- سفال با نقش قالبی از دوره اسلامی محوطه بیشاپور (امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: تصویر ۲۴)

سفال بدون لعاب ترصیع کاری شده با لعاب

نوع دیگری از سفال‌های بدون لعاب دوره اسلامی، سفال‌های ترصیع کاری شده است. در این روش تزئین، بخش کوچکی از سفال تزئین شده به روش نقش کنده یا قالبی یا استامپی را با استفاده از لعاب تزئین می‌کردند. از محوطه جیزد این نوع سفال به صورت محدود در بین یافته‌ها گزارش گردید (تصویر ۱۳). از آنجا که سفال‌های با این شیوه تزئین از کهنه‌تر نیشاپور یافت شده است، احتمالاً این سفال‌ها متعلق به قرون ۵-۷ هجری است. علاوه بر کهنه‌تر نیشاپور^{۲۷} (تصویر ۱۴)، سفال با این نوع از تزئین از محوطه قلعه کوه قاین^{۲۸} و قروه همدان (محوطه‌های میره و روان تپه)^{۲۹} نیز گزارش شده است.



تصویر ۱۳- دو قطعه سفال با تزئینی ترصیع کاری شده از محوطه جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

27. Rante and Collinet, *Nishapur Revisited, stratigraphy and ceramics of the Qohandez*.

۲۸. انوری مقدم، فرجامی و محمودی نسب، «گونه شناسی سفال‌های نقش افزوده قلعه کوه قاین».

۲۹. شریفی و زارعی، «بررسی و مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت قروه استان کردستان».



تصویر ۱۴ - قطعات سفال ترصیع شده از کهنه‌ز نیشابور (Rante and Collient, 2013: Fig 107)

سفال های لعابدار

این دسته، انواع گوناگونی از سفال های با لعاب گلی (گلابه‌ای) تا سفال های با لعاب فلزی را شامل می شود که هر یک دارای چند زیرگروه است. از نکات جالب توجه در مجموعه سفال های لعابدار، فقدان سفال های مینایی و سفال آبی سفید چینی در این دسته از سفال ها است.

سفال لعابدار تکرنگ

سفال لعابدار ساده (تکرنگ)، ساده ترین و فراوان ترین نوع سفال لعابدار دوره اسلامی است، که احتمالاً علاوه بر سادگی تولید، سرعت عمل در تهیه آن، موجب شد تا گونه ای بسیار مقبول در همه محوطه های اسلامی باشد. سابقه تولید سفال لعابدار تکرنگ قلیایی فیروزه ای، به هزاره پنجم ق.م. در بین النهرین بازمی گردد،^{۳۰} و در ایران شاخص ترین کاربرد آن تولید تابوت های تدفینی دوره اشکانی است. در دوره ساسانی نیز سفال های تکرنگ آبی-سبز همچنان ادامه داشت.^{۳۱} استفاده گسترده از این تکنیک را می توان در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی دید (تصویر ۱۵).^{۳۲} از مراکز تولید این سفال ها می توان شوش، آمل، نیشابور، سمرقند، بخارا و افراسیاب را نام برد.^{۳۳}

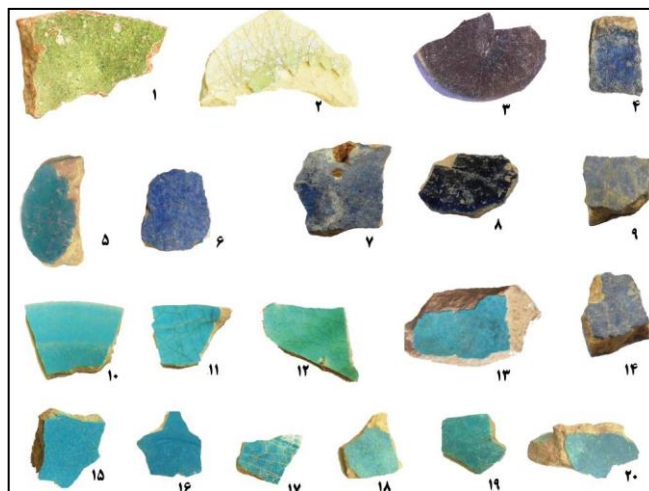
۳۰. توحیدی، فن و هنر سفالگری، ۲۶۰.

۳۱. توحیدی، فن و هنر سفالگری، ۲۶۹؛ کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا عصر حاضر، ۴۵۷.

۳۲. توحیدی، فن و هنر سفالگری، ۲۷۰.

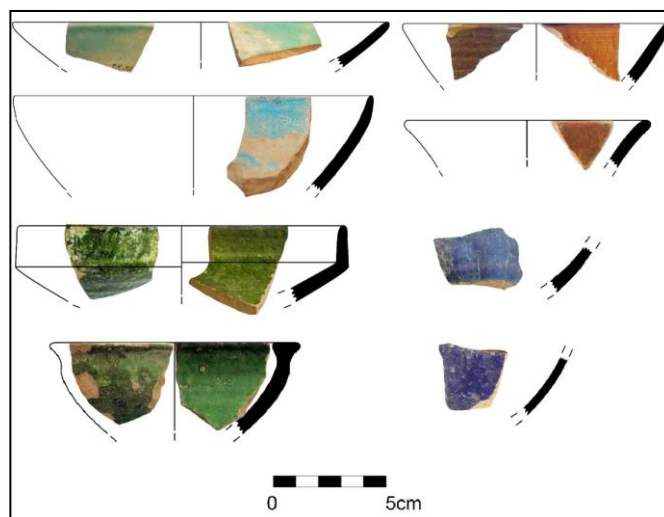
۳۳. همو.

سفال‌های تکرنگ به‌دست‌آمده از بررسی محوطه جیزد عبارت‌اند از: تکرنگ فیروزه‌ای، قهوه‌ای، سبز، لاجوردی و سفید که بیشترین تعداد متعلق به سفال‌های فیروزه‌ای است (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۵ - سفال‌های تکرنگ سلجوقی و ایلخانی از محوطه انداجین همدان

(محمدی و رضائی، ۱۴۰۰: تصویر ۴)



تصویر ۱۶ - انواع سفال‌های با لعاب یک‌رنگ فیروزه‌ای، قهوه‌ای، سبز و لاجوردی به‌دست‌آمده از محوطه جیزد

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

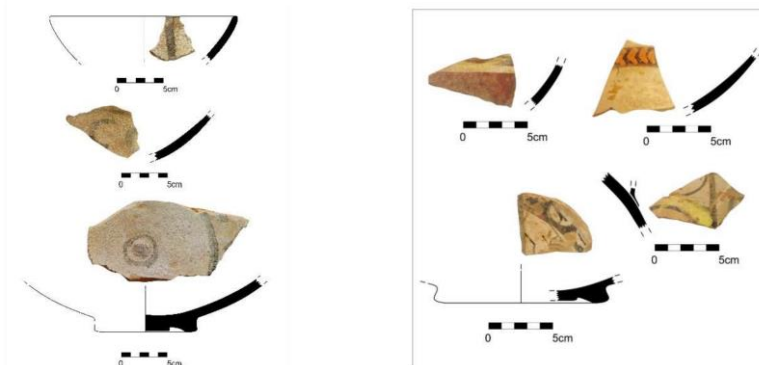
سفال لعاب گلی یک رنگ و چند رنگ (سفال های گلابه ای)

این دسته از داده ها، شامل سفال هایی است که سطح سفال با گلابه و اسلیپ رقیق پوشانده شده و سپس نقوش روی آن ایجاد شده است. از مراکز اصلی تولید این سفال، خراسان و ماوراءالنهر بوده است (تصویر ۱۷).^{۳۴} در بررسی روشمند محوطه جیزد سفال گلابه ای به دست آمد (تصویر ۱۹ و ۱۸)، و نقوش آن ها شامل: نقش دایره، خطوط یا ترکیبی از هر دو به رنگ های سیاه یا قهوه ای تیره بر زمینه قرمز، رنگ زرد یا سفید بر زمینه قرمز، رنگ سیاه بر زمینه سفید است. در مواردی نیز از ترکیب دو رنگ یا بیشتر استفاده شده است.



تصویر ۱۷ - سفال با لعاب گلی چند رنگ از نیشابور، سده ۵ هجری

(Watson, 2004:243 Cat, Gg1)



تصویر ۱۸ - سفال با نقاشی رو لعاب گلی به دست آمده از جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تصویر ۱۹ - سفال با نقاشی روی لعاب گلی سفید به دست آمده از جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

34. Watson, *Ceramics from Islamic Lands*, Thames & Hudson Ltd, London. Whitehouse, D., *Ceramics XIII, the Early Islamic Period, - 7th- 11th Centuries*, In, 205.

سفال کتیبه دار بر لعاب سفید گلی (سامانی-نیشابور)

این نوع سفال در ناحیه شمال شرق ایران و افغانستان و به عبارتی در ناحیه تحت حکومت سامانیان رایج بوده است و از این رو به نام سامانی نیز شناخته می‌شود. از مراکز یادشده جهت تولید این نوع سفال از شهرهایی همچون سیرجان، لشکری بازار، بامیان^{۳۵} و نیشابور نام برده‌اند.

برای تولید این گونه سفال ابتدا ظرف با گلابه سفید یا نخودی آغشته می‌شد تا بستری جهت ایجاد نقش آماده گردد. پس از آن نقش را ایجاد می‌کردند و در مرحله پایانی به ظرف لعاب شیشه‌ای داده می‌شد تا نقش ثابت بماند.^{۳۶} اگرچه در بین باستان‌شناسان این نوع سفال به نام سبک نیشابور شناخته می‌شود، اما گروه معتقد است باید در مورد محل اصلی تولید آن محتاط بود.^{۳۷} این سفال‌ها دارای خط کوفی به رنگ سیاه و یا قهوه‌ای تیره هستند که به علت منگنز است (تصاویر ۲۰ و ۲۱). در طی بررسی در سطح محوطه جیزد چندین قطعه شکسته از این نوع به دست آمد (تصویر ۲۲)، اما متأسفانه قطعه‌ای که به توان نوشته روی آن را به طور کامل خواند، یافت نشد.



تصویر ۲۰- سفال موسوم به نوع سامانی یا نیشابور (گروبه، ۱۳۸۴: ۷۰: تصویر ۶۶)

۳۵. محمدی و شعبانی، «معرفی و تحلیل سفال‌های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان».

36. Jenkins, "Islamic Pottery: A Brief History": The Metropolitan Museum of Art Bulletin, v. 40, no. 4, 11.

Fehervari, *Ceramics of the Islamic world*, 50.

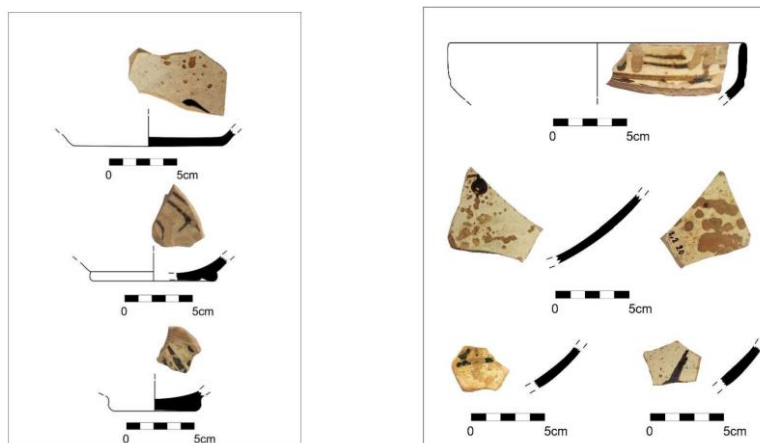
کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا عصر حاضر، ۴۶۹.

۳۷. گروبه. سفال اسلامی، ترجمه فرناز حائری، ۷۰.



تصویر ۲۱- سفال با کتیبه قهوه‌ای بر زمینه گلی نخودی سبک نیشابور به دست آمده از شهر بلقیس

(زارعی، عامریان نیک گفتار، ۱۳۹۵: شکل ۱۳)



تصویر ۲۲- قطعاتی از سفال های نوع نیشابور-سامانی به دست آمده از جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

سفال های زرین فام

شاید بتوان سفال زرین فام را معروف ترین و یکی از زیباترین سفال های جهان اسلام به حساب آورد. واژه زرین فام بیانگر درخشش فلزی است که بازتابی رنگارنگ دارد. تولید لعاب زرین فام فرایندی ابهام آمیز و پیچیده دارد. در مصر بعد از قرون اولیه اسلامی به دلیل ثروت حکومت عباسی، کاشی های زرین فام زیادی در سامرا تولید و از آنجا به قیروان در تونس فرستاده شد.^{۳۸} سپس در قرن ۴ هجری در زمان حکومت فاطمیان دوباره تولید ظروف و کاشی های زرین فام به مصر منتقل شد. پس از حمله صلاح الدین ایوبی به

38. Carboni and Masuya, *Persian tiles*, 2.

مصر در قرن ۵ هجری، دوباره شاهد ساخت سفال زرین فام خارج از مصر و در سوریه و ایران هستیم. لعاب زرین فام از اواخر قرن ۶ هجری به طور ناگهانی در ایران شروع شد که یک توجیه برای آن ورود صنعتگران مصری است و مقایسه طرح‌های مصری و ایرانی می‌تواند آن را به درستی تأیید نماید.^{۳۹}

واتسون معتقد است که نه شیوه زرین فام و نه نوع ظروف سفالینی که به کار گرفته می‌شوند، هیچ‌کدام از ابداعات ایرانیان نبوده بلکه هنرمندان ایرانی هر دو را به سطح جدیدی از تکامل هنری رساندند.^{۴۰} بوکلیر و مارتین مراکز اولیه زرین فام را مصر می‌دانند. تحقیقات باستان‌شناسی در ری در سال ۱۹۳۰ میلادی نشان داد که ظروف ساخته شده با لعاب قلع و تزیین طلائی یا لاجوردی در این محوطه رایج بوده است.^{۴۱} کاوش‌های شهر سامره نشان داد که سفالگران این شهر با ساخت سفالینه‌های زرین فام آشنایی داشتند.^{۴۲}

از نخستین آثار تاریخ‌دار زرین فام ایران می‌توان به محراب، کاشی‌های ستاره‌ای، شش ضلعی و خشتی حرم حضرت رضا(ع) و پوشش مرقد حضرت معصومه(س) اشاره کرد.^{۴۳} تکنیک ساخت این نوع سفال در ایران مشابه دوره فاطمیان مصر بود. یعنی از لعاب قلع همراه با سرب غنی کدر استفاده می‌کردند. اگرچه میزان سرب استفاده شده در سفال‌های ایرانی کمتر از نمونه‌های فاطمی بوده است.^{۴۴} از منابعی که در زمینه تکنیک ساخت لعاب زرین فام اهمیت ویژه‌ای دارد، رساله عراش الجواهر و نفایس الاطایب نوشته ابوالقاسم کاشانی و به تصحیح ایرج افشار است. تکنیک ساخت به این صورت بود که با ترکیبات زرین فام روی ظرف لعاب‌داری که سرد شده نقاشی کرده و دوباره آن را لعاب می‌دهند. آن‌گاه طی یک آتش‌گیری ثانویه در کوره‌ای در دمای پایین‌تر و فشار کمتر که ترکیبی از منواکسید کربن بوده، اکسیژن داخل اکسید فلزات خارج شده و فلز خالص به شکل لایه نازک چند میکرونی و نامحسوس در لعاب رسوب می‌کرد. ظرف ساخته شده پس از خارج شدن از کوره و صیقل یافتن همچون طلائی سرخ می‌درخشید.^{۴۵} ترکیبات ماده زرین فام از سولفات مس، نیترات نقره، کلرید طلا و نیترات بیسموت بوده، گاهی کربنات مس و

۳۹. واتسون، سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، ۲۲؛ آلن، سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه آشموالین آکسفورد، ترجمه مهناز شایسته فر، ۱۲.

Alan, *Tin glaze pottery in Europe and Islamic world*, 128-130.

۴۰. واتسون، سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، ۱۳.

۴۱. آلن، سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه آشموالین آکسفورد، ترجمه مهناز شایسته فر، ۱۶.

۴۲. همو.

۴۳. پوپ، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز، ترجمه نجف دریابندری، ۱۸۰/۴.

44. Pradell, Molera, Smith, Tite, "Early Islamic lustre from Egypt, Syria and Iran (10th to 13th century AD)", 2649-2662.

۴۵. کاشانی، عرابس الجواهر و نفایس الاطایب، ۳۳۸-۳۴۷؛ پورتر، کاشی‌های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، ۱۶؛ واتسون، سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، ۲۷.

کربنات نقره نیز به کار می رفت. ترکیبات مس رنگی قرمز، مسی، طلایی یا عنابی روشن و ترکیبات نقره رنگ زرد یا عاجی و ترکیبات بیسموت رنگ های قوس و قزحی به وجود می آورد. سفال زرین فام را به سه دوره تقسیم کرده اند:

الف: ظروف طلایی اولیه: قرن ۳-۴ هجری

ب: زرین فام قرون میانی: قرن ۹-۵ هجری

ج: زرین فام دوره متأخر: قرن ۱۲-۱۰ هجری

سفال های زرین فام به دست آمده از محوطه جیزد از نوع سفال های زرین فام قرون میانی و سبک کاشان در ۴ مورد قابل شناسایی است. تزئین ایجاد شده از نوع نواری و کتیبه است (تصویر ۲۳). در نیشابور نیز سفال های زرین فام گزارش شده است (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۳- قطعات سفال زرین فام به دست آمده از جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

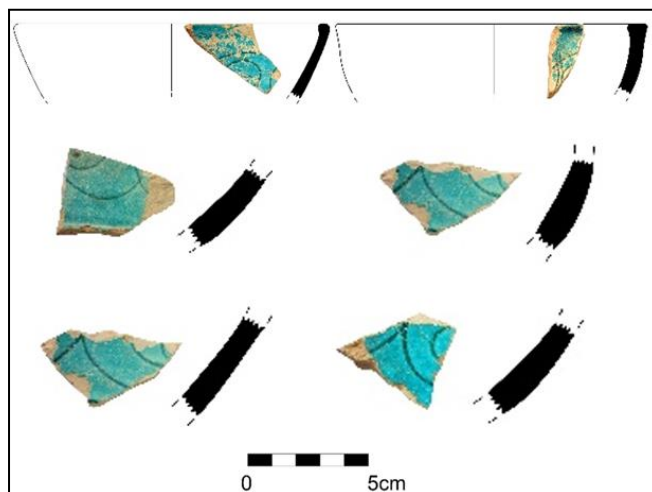


تصویر ۲۴- نمونه سفال زرین فام از دوره اسلامی محوطه بیشاپور،

(امیری، موسوی کوهپر و خادمی ندوشن، ۱۳۹۱: تصویر ۲۹)

سفال اسگرافیاتو

اگرچه تزیین سفال با نقش کنده به دوره پیش از تاریخ بازمی‌گردد، اما ساخت سفال با نقش کنده در گلابه زیر لعاب که از آن با نام اسگرافیاتو یاد می‌شود بسیار متأخرتر است. تولید این‌گونه سفال در قرون ۵-۷ میلادی در مصر و چین آغاز شده است و در ارتباط با طبقه‌بندی و حتی منشاء آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. برای تولید این‌گونه سفال، سفالگر پس از شکل دادن ظرف و پیش از خشک شدن کامل ظرف آن را با یک لایه گلابه می‌پوشاند و سپس نقش موردنظر خود را روی سفال ایجاد می‌کند. پس از لعاب‌کاری سطح سفال با لعاب فلزی و نفوذ لعاب در قسمت‌های کنده‌شده، این نواحی تیره‌تر دیده می‌شود.^{۴۶} از مراکز تولید این نوع سفال می‌توان به جرجان، نیشابور و بامیان افغانستان اشاره کرد.^{۴۷} نمونه سفال‌های اسگرافیاتو به‌دست‌آمده از محوطه اسلامی جیزد در زیر آورده شده است (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۵- سفال با نقش کنده زیر لعاب فیروزه‌ای به‌دست‌آمده از جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

سفال نوع فیروزه قلم مشکی

این نوع سفال همچون سفال‌های تک‌رنگ فیروزه‌ای رواج فراوانی در محوطه‌های اسلامی دارد. نقوش به رنگ سیاه در زمینه فیروزه‌ای نقش شده‌اند. باید توجه داشت نمونه‌هایی با زمینه فیروزه‌ای متمایل به سبز، ممکن است از نوع کوباچه فیروزه‌ای متمایل به سبز باشد که متعلق به قرن ۸ و ۹ هجری است. سفال قلم

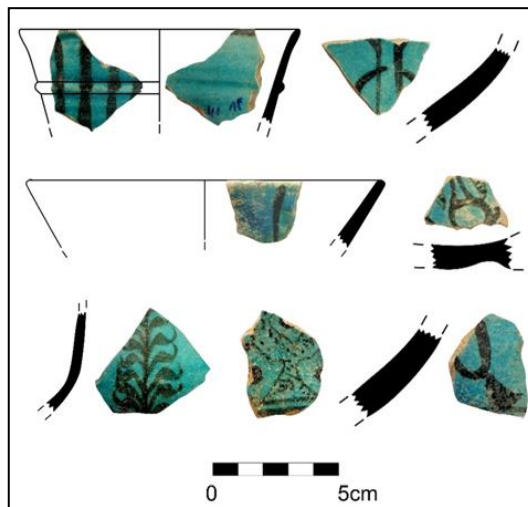
۴۶. شاطری، لاله و چوبک، «بازنگری در طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری سفال‌گونه نقش کنده در گلابه (اسگرافیاتو) در ایران دوره اسلامی».

۴۷. خاکباز و تقوی، «مطالعه سفالینه‌های محوطه شاه نشین شهر تاریخی فریم».

مشکی از قرن ۶ هجری تولید می شده است و در دوره ایلخانی به فرم رایج و فراگیری تبدیل شد.^{۴۸} خمیره این سفال از جنس رس و خمیر شیشه بود. نقوش سفال های قلم مشکی جیزد شامل انواع نقوش هندسی، گیاهی و کتیبه است.

برای تولید این نوع سفال، طرح را بر بدنه سفال ایجاد و سپس لعاب شفاف قلیایی روی آن می کشیدند. در مرحله بعد سفال به کوره برده می شد و پس از پخت، نقوش زیر لعاب به رنگ های سیاه، آبی کبالت، فیروزه ای در می آمد که در زیر لعاب های مات (فیروزه ای و کبالت) تمام این رنگ ها به رنگ سیاه دیده می شد.^{۴۹}

مراکز تولید متعددی برای سفال های نوع قلم مشکی پیشنهاد شده است؛ برخی پژوهشگران کاشان و برخی دیگر سلطان آباد، ساوه، سلطانیه، ری، همدان، جرجان، نیشابور، سمرقند، آمل و ساری را پیشنهاد داده اند (تصویر ۲۷).^{۵۰} در محوطه اسلامی جیزد نیز این دسته از سفال ها در جریان بررسی محوطه به دست آمد (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۶- سفال های فیروزه قلم مشکی به دست آمده از محوطه جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۴۸. آلن، سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد، ترجمه مهناز شایسته فر، ۳۷. کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا عصر حاضر، ۴۶۹.

۴۹. کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا عصر حاضر، ۴۶۹.

50. Pope, "Ceramic art in Islamic times, A History", 1840-1845.

زارعی، خاکسار، مترجم، امینی و دینی، «بررسی و مطالعه سفال های دوره ایلخانی به دست آمده از کاوش های باستان شناسی ارزانفود». کامبخش فرد، سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا عصر حاضر، ۴۶۹. توحیدی، فن و هنر سفالگری، ۲۷۱.



تصویر ۲۷- سفال‌های فیروزه قلم مشکی از انداجین همدان (محمدی و رضائی، ۱۴۰۰: تصویر ۵)

سفال‌های نوع سلطان‌آباد

در اواخر قرن ۷ هجری گونه‌ای سفال تولید شد که امروز با نام نوع سلطان‌آباد (در حوالی اراک امروزی) شناخته می‌شود. این سبک از سفال از نوع نقاشی زیر لعاب با خمیره فریت (خمیر سنگ) و همچنین گل‌رس ساخته شده است. این نوع سفال‌ها اغلب دارای نقوش متنوعی همچون هندسی، گیاهی، جانوری و گیاهی هستند^{۵۱} و عموماً کالبدی زمخت، سنگین و ناصاف دارند و با لعاب نازک، رقیق و بی کیفیت سطح آن‌ها پوشانده شده است؛ خمیر بدنه از جنس فریت قلیایی/سیلیسی به رنگ سفید و طیفی از نخودی تا قرمز است.^{۵۲}

اگرچه نمونه یافت شده از جیزد، کیفیت مناسب و قابل قبولی دارد. لین برای سفال‌های سلطان‌آباد تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای بیان می‌کند. گروه نخست: سفال‌های حجم‌دار با خمیره به رنگ سفید مایل به نخودی است که طرح‌ها گاهی برجسته و اطراف نقوش با رنگ سیاه دورگیری شده است. گروه دوم: مشابه گروه اول است، اما رنگ خمیره نخودی مایل به قرمز است و رنگ آبی به صورت غالب در نقوش به کار رفته است. بدنه ظروف پوشش خاکستری دارد و طرح‌ها دارای یک پوشش سفید برجسته‌تر از سطح اصلی سفال است؛ طرح‌ها با رنگ سیاه قلم‌گیری شده است. سومین دسته دارای بدنه نازک است که بر اساس

۵۱. زارعی و شعبانی، بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه همدان، ۱۱۰-۱۲۵.

52. Morgan, "Some Far Eastern Elements in Coloured-ground Sultanabad Wares", 19.

روحانی، «گونه‌شناسی کاسه‌های سفالین سلطان‌آباد در عصر ایلخانی از طریق تحلیل و تطبیق شکل بدنه و تزئینات»، ۶۱-۷۵.

شبهات تزئینات گمان می رود ساخت کاشان باشد؛ این گروه دارای لعاب شفاف عالی است.^{۵۳} در محوطه جیزد چند قطعه از این نوع به دست آمد که برخی از قطعات کاملاً مشابه نمونه سفال سلطان آباد است که در موزه متروپولیتن وجود دارد (تصویر ۲۸ و ۲۹). از نکات قابل ذکر در این گونه برجستگی قابل لمس نقوش است که با لمس سطح سفال قابل درک است که بر اساس توضیحات درج شده برای نمونه متروپولیتن نیز ذکر شده است.



تصویر ۲۸- قطعات سفال نوع سلطان آباد به دست آمده از بررسی جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)



تصویر ۲۹- سفال نوع سلطان آباد از قرن ۸ هجری در موزه متروپولیتن (شماره ثبت ۱۲۴/۱۹۷۲)

سفال با نقاشی زیر لعاب نوع تیموری

این نوع سفال مشابه سفال‌های سفید آبی است؛ نقاشی‌های آن‌ها با آبی کبالت زیر لعاب بر بستر سفید انجام شده است. با این تفاوت که از رنگ مشکی یا قهوه‌ای بسیار تیره متمایل به سیاه نیز در کنار رنگ آبی به‌ویژه برای ترسیم حاشیه نقوش استفاده می‌شد. این نوع سفال در دوره تیموری و در کارگاه‌هایی همچون کرمان و مشهد تولید می‌شد (تصویر ۳۰).^{۵۴} در طی بررسی محوطه جیزد از این نوع سفال به دست آمد (تصویر ۳۱).



تصویر ۳۰- نمونه‌ای از سفال نقاشی زیر لعاب تیموری (فهروری، ۱۳۸۸: تصویر ۵۳)



تصویر ۳۱- برخی از نمونه سفال‌های نقاشی زیر لعاب (آبی و سفید) تیموری از محوطه جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

سفال‌های آبی و سفید

سفال‌های آبی و سفید از آن دسته سفال‌های شاخص و جالب‌توجه هستند که علی‌رغم فراوانیش، نظرات متفاوتی پیرامون زمان و مکان ابداع این سفال وجود دارد.^{۵۵} اگرچه که با توجه به شواهد، نخستین بشقاب‌ها

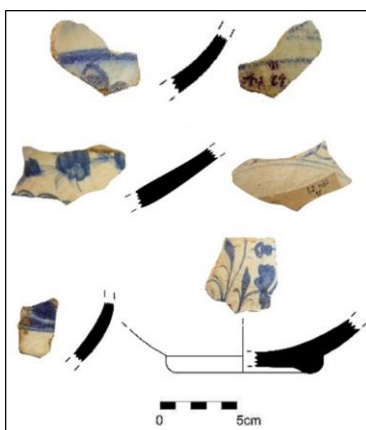
۵۴. فهروری، سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت، ترجمه مهناز شایسته فر، ۶۴.

۵۵. صالحی کاخکی، صدیقیان و منتظر ظهوری، «بررسی روند تولید سفالینه‌های آبی و سفید در ایران طی ادوار مختلف اسلامی»، ۱-۱۳.

با آستر سفید و نقش آبی در جهان اسلام تولید شده بود، اما به نظر می‌رسد این تکنیک بعدها به چین رسیده است.^{۵۶}

صالحی کاخکی و همکارانش معتقدند سفال‌های آبی و سفید از قرن ۶ هجری به بعد تولید خود ایران است.^{۵۷} اگرچه فهروری معتقد است، سفال‌های آبی و سفید که از سفال‌های آبی و سفید چینی نمونه برداری شده بودند، از اواخر دوره تیموری تولید می‌شد.^{۵۸} کیان اصل معتقد است که ساخت ظروف آبی و سفید تقلیدی از نمونه‌های چینی از سده هشتم هجری در جرجان و در قرن نهم هجری در کرمان رواج یافت.^{۵۹}

در محوطه جیزد، سفال آبی و سفید تولید ایران گزارش شد و نمونه سفال‌های آبی و سفید اصیل ساخت چین یافت نگردید. نمونه‌های یافت شده، دارای خمیره رسی است و نقوش آن‌ها شامل نقوش هندسی، گیاهی و نواری است (تصویر ۳۲). نمونه‌های مشابه جیزد از محوطه‌های جرجان،^{۶۰} ذلف آباد،^{۶۱} مشکویه^{۶۲} به دست آمده است (تصاویر ۳۳، ۳۴ و ۳۵).



تصویر ۳۲- سفال‌های آبی و سفید به دست آمده از محوطه جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

۵۶. همو.

۵۷. همو.

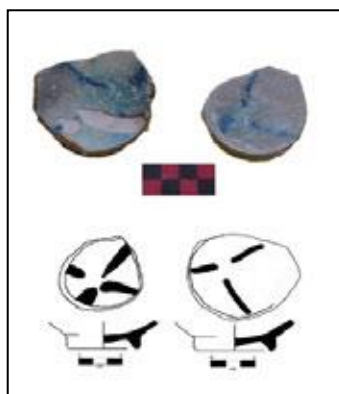
۵۸. فهروری، سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت، ترجمه مهناز شایسته فر، ۶۴.

۵۹. کیان اصل، سفال ایران، ۵۶.

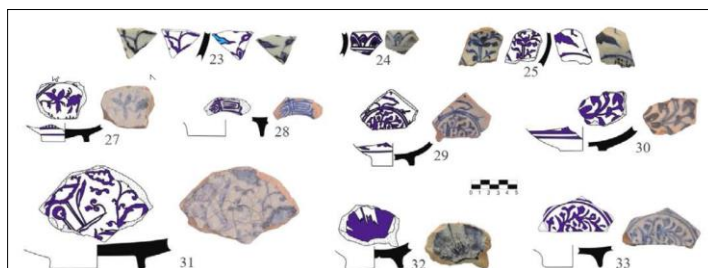
۶۰. مرتضایی، «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه جرجان»، ۶۴.

۶۱. صدیقیان، شراهی و خالدیان، «مطالعه محوطه ذلف آباد فراهان براساس داده‌های گمانه زنی و بررسی سطحی»، ۱۳۵.

۶۲. نوری شادمهانی، تبیین جایگاه مشکویه (مشکین تپه) در فرایند تولید سفال ایران قبل از مغول.



تصویر ۳۳- سفال‌های آبی و سفید نوع نواری به‌دست‌آمده از مشکویه (نوری شادمهانی، ۱۳۸۹)



تصویر ۳۴- سفال‌های سفید و آبی محوطه قلعه سنگ کرمان (امیرحاجیلو و صدیقیان، ۱۳۹۹: تصویر ۷)

	جال تبه بخش سامن ملایر (بختیاری، ۱۳۸۷: ۳۶).	مجموعه دستکند زیرزمینی ارزانیفود (خاکسار، ۱۳۹۰: ۱۸).	مجموعه معماری دستکند زیرزمینی سامن (خاکسار، ۱۳۹۰: ۱۳۲).
محوطه زینوآباد (محمدی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).	مسجد جامع همدان (رنجبران، ۱۳۸۲).	مجموعه دستکند زیرزمینی ارزانیفود (خاکسار، ۱۳۸۹: ۲۳۵).	مسجد جامع همدان (رنجبران، ۱۳۸۲).

تصویر ۳۵- نمونه برخی از سفال‌های آبی و سفید به‌دست‌آمده از همدان (زارعی و شعبانی، ۱۳۹۸: جدول ۱۱)

سفال نوع سلادون چینی و ایرانی

این نوع سفال ها ساخت چین هستند و غالباً رنگ زیتونی و یشمی دارند. درباره نحوه ابداع سفال سلادون در منابع آمده است که سفالگران چینی در تلاش برای ساخت ظروفی مشابه با سنگ یشم، این نوع ظرف را ابداع کرده اند. اوج واردات این نوع ظروف سفالی به ایران به قرن ده و یازده هجری بازمی گردد.^{۶۳}

همچون سفال های آبی و سفید چینی که پس از مدتی توسط سفالگران ایرانی مورد تقلید و کپی برداری قرار گرفت؛ این نوع سفال نیز در ایران تولید شد و حتی گاه سفالگر ایرانی نام خود را بر این نوع سفال حک کرده و تغییراتی نیز در ترکیب لعاب ها اعمال کرده است که این نوع تغییر در کارگاه های کرمان اعمال می شد.^{۶۴}

علاوه بر کرمان، نمونه ایرانی این ظروف در کارگاه های بندرعباس، اصفهان و سلطانیه نیز تولید می شدند. در بررسی محوطه جیزد تعداد سه قطعه سفال از نوع سلادون چینی و سه قطعه نیز از نوع ایرانی که به لحاظ رنگ مشابه نمونه های چینی بود، یافت شد. نمونه های ایرانی از کیفیت لعاب پایین تری برخوردار بود و دارای خمیره رسی بود؛ در حالی که نمونه های سلادون چینی از خاک کائولن بسیار باکیفیت و ظریف تولید شده بود (تصاویر ۳۶ و ۳۷).



تصویر ۳۶ - سه قطعه سفال سلادون یافت شده از سطح محوطه جیزد (عکس از نگارندگان، ۱۴۰۰)

۶۳. حسینی، «مقایسه تاثیر هنر سفالگری چین بر ایران ادوار تیموری و صفوی»، ۷۴-۷۵؛ توحیدی، فن و هنر سفالگری، ۲۸۷. کریمی و کیانی، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، ۶۶.

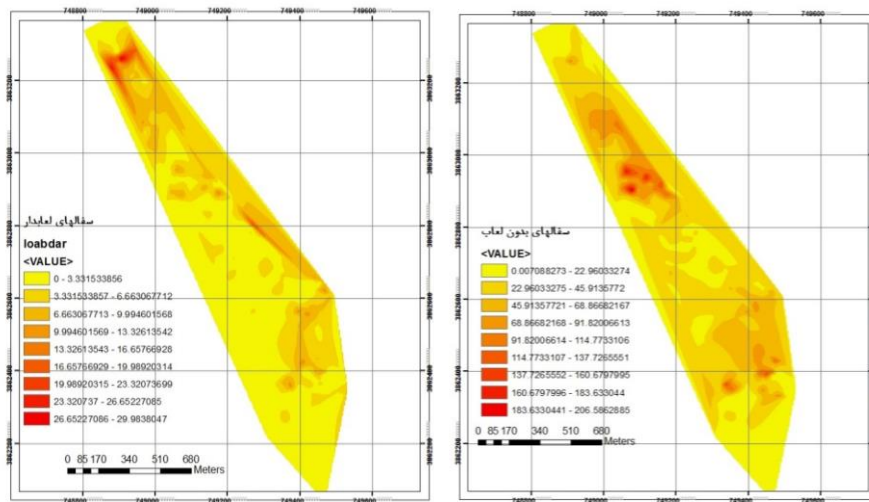


تصویر ۳۷- چند قطعه از سفال‌های شبه سلادون به دست آمده از بررسی جیزد (نگارندگان، ۱۴۰۰)

فراوانی پراکنش داده‌ها در سطح محوطه

در این پژوهش در راستای انجام بررسی روشمند، سطح محوطه به چهار ناحیه اصلی و چندین زیرگروه تقسیم شد. در ناحیه ۱، محدوده‌ای با مساحت ۲۳۰۰ مترمربع بررسی گردید و در مجموع ۷۰۰ قطعه سفال به دست آمد. در ناحیه ۲، محدوده‌ای با مساحت ۸۶۰۰ مترمربع مورد بررسی قرار گرفت و تعداد ۴۴۶۵ قطعه سفال بدون لعاب و لعاب‌دار گزارش شد. در ناحیه ۳ مساحتی حدود ۶۱۰۰ مترمربع بررسی شد و حدود ۲۵۶۸ قطعه سفال بدون لعاب و لعاب‌دار به دست آمد. در ناحیه ۴ نیز محدوده‌ای حدود ۴۶۶۰ مترمربع بررسی گردید و از این بخش تعداد ۲۵۰۸ قطعه سفال بدون لعاب و لعاب‌دار به دست آمد. میزان فراوانی گونه‌های سفالی در ناحیه ۱، به کمک نرم‌افزار GIS داده‌ها برحسب هر مربع در جدول اطلاعات توصیفی نرم‌افزار وارد شد تا فراوانی داده‌ها در هر ناحیه نمایش داده شود. این عمل با کمک ابزار Interplotation صورت گرفت. در این ابزار که در قسمت تحلیل فضایی این نرم‌افزار قرار دارد، فاصله بین هر نقطه اطلاعاتی با میانگین داده‌های ثبت شده پیرامون آن تکمیل می‌شود. در این پژوهش نگارندگان پراکنش سفال‌های ساده، سفال‌های لعاب‌دار، آجرهای تزئینی و مراکز صنعتی را مدنظر قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد، بیشترین فراوانی سفال‌های ساده همچنان که در تصویر نشان داده شده، در ناحیه ۱-۲ و ۲-۲ قرار دارد (تصویر ۳۸). این فراوانی به دو دلیل ممکن است رخ داده باشد. نخست آنکه این ناحیه به لحاظ زمانی مدت‌زمان بیشتری مورد سکونت قرار گرفته است. عامل احتمالی دوم می‌تواند به دلیل تمرکز و فراوانی بیشتر جمعیت در این قسمت باشد و ناحیه ۲ بیش از آنکه محل فعالیت‌های تجاری-اداری بوده باشد، ناحیه مسکونی دائمی بوده است؛ زیرا سفال‌های ساده بیشتر جهت کارهای روزمره و

آشپزخانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفتند. همان‌گونه که در تصویر ۳۸ مشخص است دومین ناحیه با فراوانی نسبتاً چشمگیر سفال ساده، قسمت جنوبی محوطه است که دربرگیرنده ناحیه ۴-۲ و ۳-۱ و ۳-۳ است. تفسیر ارائه شده برای ناحیه ۲ احتمالاً برای این بخش نیز قابل بحث باشد. بیشترین سفال‌های لعاب-دار محوطه جیزد از شمال محوطه به دست آمده است که شامل ناحیه ۱-۲ و ۲-۳ است (تصویر ۳۹). اگرچه فراوانی چشمگیر سفال‌های ناحیه بسیار وسوسه کننده است که این ناحیه را محل زندگی طبقه‌ای متوسط و برخوردار در نظر بگیریم، اما فراوانی سفال لعاب‌دار آن ممکن است به دلایل دیگری هم باشد. عللی همچون محل تخلیه زباله‌ها بودن محوطه در برخی ادوار سکونت سایت، محل پخت سفال لعاب‌دار بودن و یا حتی راسته فروش سفال لعاب‌دار بودن این بخش از محوطه که رسیدن به پاسخ قطعی نیازمند انجام کاوش‌های باستان‌شناسی است.



تصویر ۳۸- پراکنش سفال‌های ساده در سطح محوطه جیزد. تصویر ۳۹- پراکنش سفال‌های لعاب‌دار در سطح محوطه جیزد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش شهر اسلامی جیزد که در ۱۲ کیلومتری شهر رشتخوار قرار دارد و با توجه به منابع مکتوب دوره اسلامی متناسب به قرون میانی اسلامی است، مورد بررسی روشمند باستان‌شناسی قرار گرفت. با توجه به این شیوه بررسی، سطح محوطه به خانه‌های ۱۰ در ۱۰ متر تقسیم‌بندی شده و یافته‌های هر خانه ثبت و

ضبط گردید. نتایج تحلیل داده‌های سفالی بررسی نشان داد که بیشترین فراوانی سفال‌های ساده مربوط به ناحیه ۱-۲ و ۲-۲ و بیشترین سفال‌های لعاب‌دار محوطه جیزد نیز متعلق به بخش شمالی محوطه یعنی ناحیه ۱-۲ و ۲-۲ است. تجزیه و تحلیل داده‌های سفالی، نشان می‌دهد همان‌گونه که در منابع مکتوب آمده، شهر جیزد در قرون ۵-۹ هجری مسکونی و آباد بوده است و بیشترین یافته‌ها مربوط به همین قرون است. اما با توجه به وجود تعداد محدودی از برخی گونه‌های سفالی که مربوط به قبل از قرن ۵ هجری است، مانند سفال‌های با نقاشی روی لعاب گلی تک‌رنگ و چندرنگ و همچنین سفال‌های نوع سامانی، به نظر می‌رسد که سابقه سکونت در محوطه جیزد به قرن ۳ و ۴ هجری برمی‌گردد. به علت نبود سفال‌های شاخص قرون ۱۰-۱۱ هجری به‌ویژه سفال‌های کوباچی-ایزینیک، سفال براق نقاشی شده (طرح گل و مرغ)، ظروف سفالی گمبرون، ظروف سفید و آبی اواخر دوره صفوی که در آن رنگ آبی به تدریج جای خود را به رنگ لاجوردی می‌دهد، ظروف نقاشی شده تک‌رنگ و چندرنگ کرمان و همچنین سفال زرین‌فام متأخر در بین یافته‌ها، به نظر می‌رسد که این محوطه حداقل پس از زلزله اواخر قرن ۸ هجری چندان دوام نیاورده است و پیش از رسیدن به دوره صفوی متروک شده است و دوره‌های اوج رونق محوطه همان قرون میانی اسلام است. اگرچه وجود سفال‌های سلاطون، بدل سلاطون و همچنین چند قطعه مشکوک به سفال کوباچی نوع آبی نیلی بیانگر آن است که تا حدود قرن ۹-۱۰ هجری، محوطه به‌صورت محدود مورد سکونت بوده است. علاوه بر این، یافته‌های شاخصی که بتوان آن را به دوره پیش از اسلام منتسب کرد از محوطه به دست نیامد.

فهرست منابع

- امیرحاجیلو، سعید و حسین صدیقیان. «مطالعه باستان‌شناختی سفال‌های دوران اسلامی محوطه قلعه سنگ؛ شهر قدیم سیرجان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۱۰، ش. ۲۵ (۱۳۹۹): ۱۵۵-۱۸۰.
- امیری، مصیب؛ موسوی کوهپر، سید مهدی و فرهنگ خادمی ندوشن. «طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های ساسانی-اسلامی بیشاپور، مطالعه موردی: سفال‌های فصل نهم کاوش». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، ش. ۱ (۱۳۹۱): ۱-۳۲.
- انوری مقدم، امی؛ فرجامی، محمد؛ محمودی نسب، علی اصغر و محمدرضا سروش. «گونه‌شناسی سفال‌های نقش افزوده قلعه کوه قاین». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۶، ش. ۴ (۱۴۰۰): ۸۹-۱۰۰.
- آزاد، ناصر. نقشه برداری هوایی با پهباد جهت تهیه نقشه توپوگرافی (مطالعه موردی: مسیر راه و مسیر آبراه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد عمران، موسسه آموزش عالی پارس رضوی، ۱۳۹۸.

آلن، جیمز ویلسون. سفالگری در خاورمیانه از آغاز تا دوران ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۷.

پوپ، آرتور. سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا به امروز. ترجمه نجف دریابندری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

پورتر، ونیتا. کاشی های اسلامی. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: مجموعه آثار هنر اسلامی، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۷۱.

توحیدی، فائق. فن و هنر سفالگری. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.

توحیدی، فائق. گزارش ثبت شهر باستانی جیح. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲.

جنگی، هاشم. رشتخوار در مسیر توسعه پایدار. مشهد: انتشارات آهنگ قلم، ۱۳۹۱.

چوبک، حمیده. «سفالینه های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت». مجله مطالعات باستان شناسی، دوره ۴، ش. ۱ (۱۳۹۱): ۸۳-۱۱۲.

حسینی رشتخوار، سیده زهره. زیبایی شناسی خط ثلث در کتیبه مسجد جامع رشتخوار (دوره خوارزمشاهیان). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور، ۱۳۹۹.

حسینی، هاشم. «مقایسه تأثیر هنر سفالگری چین بر ایران ادوار تیموری و صفوی». نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ش. ۴۱ (۱۳۸۹): ۷۱-۸۲.

حموی، یاقوت بن عبدالله. معجم البلدان. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.

خاکباز، انسیه و عابد تقوی. «مطالعه سفالینه های محوطه شاه نشین شهر تاریخی فریم». نشریه جستارهای باستان شناسی ایران پیش از اسلام، ج. ۲، ش. ۱ (۱۳۹۶): ۱۰۳-۱۱۹.

خسروی، محمدرضا. جغرافیای تاریخی ولایت زاوه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

دژم خوی، مریم. «نظری اجمالی بر سفال قالب زده عصر سلجوقی». مجله باستان پژوه، سال ۹، ش. ۱۵ (۱۳۸۶): ۲۷-۳۱.

دهخدا، علی اکبر؛ افشار شیرازی، احمد؛ معین، محمد و سید جعفر شهیدی. لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۷.

رحمان پور، حسن. جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان رشتخوار. مشهد: مینوفر، ۱۳۹۶.

رحمان پور، حسن. جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی شهرستان رشتخوار. مشهد: مینوفر، ۱۳۹۶.

روحانی، حمیدرضا. «گونه شناسی کاسه های سفالین سلطان آباد در عصر ایلخانی از طریق تحلیل و تطبیق شکل بدنه و تزئینات». فصلنامه علمی-پژوهشی نگر، ش. ۳۱ (۱۳۹۳): ۶۱-۷۵.

- زارعی، محمدابراهیم و محمد شعبانی. «بررسی و تحلیل گونه‌شناسی سفالینه‌های آغاز دوران اسلامی تا پایان دوره صفوی منطقه همدان». مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۳، ش. ۸ (۱۳۹۸): ۱۰۹-۱۲۶.
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ امینی، فرهاد و اعظم دینی. «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، ش. ۲ (۱۳۹۳): ۷۳-۹۰.
- زنگنه ابراهیمی، جواد. بررسی باستان‌شناسی شهرستان رشتخوار. مشهد: آرشو میراث فرهنگی مشهد، ۱۳۹۲.
- زنگنه ابراهیمی، جواد. بررسی و تحلیل استقرارهای دوره پیش از تاریخ رشتخوار به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS). پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، ۱۳۹۵.
- شاطری، میترا؛ لاله، هایده و حمیده چوبک. «بازنگری در طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری سفال گونه نقش‌کنده در گلابه (اسگرافیاتو) در ایران دوره اسلامی». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۹، ش. ۲۱ (۱۳۹۸): ۱۷۳-۱۸۸.
- شریفی، فرشته و محمدابراهیم زارعی. «بررسی و مطالعه سفال‌های دوران اسلامی دشت قروه استان کردستان». مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۵، ش. ۱۵ (۱۴۰۰): ۱۸۹-۲۱۱.
- صالحی کاخکی، احمد؛ صدیقیان، حسین و مجید منتظر ظهوری. «بررسی روند تولید سفالینه‌های آبی و سفید در ایران طی ادوار مختلف اسلامی». دو فصلنامه پژوهش هنر، سال ۳، ش. ۵ (۱۳۹۲): ۱-۱۳.
- صدیقیان، حسین؛ شراهی، اسماعیل و ستار خالدیان. «مطالعه محوطه ذلف آباد فراهان بر اساس داده‌های گمانه‌زنی و بررسی سطحی». مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس. سال ۱، ش. ۲ (۱۳۸۸): ۱۴۲-۱۳۰.
- فصیح خوافی، احمد بن جلال الدین محمد. مجمل فصیحی (المجمل فی التاریخ). به تصحیح محمود فرخ. مشهد: کتاب‌فروشی باستان، ۱۳۳۹.
- فهروری، گزا. سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت. ترجمه مهناز شایسته فر. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۸.
- قویدل، غلامرضا؛ رحیمی، حسین و جواد محسن‌نیا. جغرافیای شهرستان تربت‌حیدریه: به انضمام شهرستان رشتخوار و مه ولات. مشهد: انتشارات اقلیدس، ۱۳۸۶.
- کاشانی، ابوالقاسم. عرایس الجواهر و نفایس الاطایب. به کوشش ایرج افشار. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. سفال و سفالگری در ایران، از ابتدای نوسنگی تا عصر حاضر. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
- کامیاب، کاظم و مهدی فلاح مهنه. «بررسی تاریخی و باستان‌شناختی شهر جیزد رشتخوار». در اولین کنگره استانی،

- چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (خراسان رضوی)، مشهد: موزه خراسان بزرگ، ۱۳۹۵.
- کریمی، فاطمه و محمد یوسف کیانی. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز باستان شناسی ایران، ۱۳۷۴.
- کیان اصل، مریم. سفال ایران. تهران: نشر دایره، ۱۳۸۷.
- گروبه، ارنست. سفال اسلامی. ترجمه فرناز حائری. تهران: کارنگ، ۱۳۸۴.
- محمدی، مریم و محمد شعبانی. «معرفی و تحلیل سفال های دوران اسلامی محوطه زینوآباد-بهار، همدان». مجله پژوهش های باستان شناسی، دوره ۶. ش. ۱۱ (۱۳۹۵): ۱۳۵-۱۵۰.
- محمدی، مریم و مصطفی رضائی. «بررسی و تحلیل گونه شناسی سفال های محوطه انداجین دشت همدان در ادوار سلجوقی و ایلخانی». مجله باستان شناسی دوران اسلامی، ش. ۳ (۱۴۰۰): ۹۵-۱۱۶.
- مرتضایی، محمد. «گزارش مقدماتی نخستین فصل کاوش های باستان شناختی در محوطه جرجان». در گزارش های باستان شناسی ۳، ۱۵۵-۱۸۸. تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۳.
- مسجدی خاک، پرستو و امیر ابراهیمی. «معرفی سفال های نقش کنده و نقش افزوده محوطه اسلامی جیزد شهرستان رشتخوار». در سومین همایش ملی نقش خراسان در شکوفایی هنر و معماری ایرانی اسلامی، ۱-۱۷. مشهد: موسسه آموزش عالی فردوس، ۱۴۰۰.
- نعمتی، محمدرضا؛ شراهی، اسماعیل و علی صدرائی. «پژوهشی در سفالینه های قالب زده محوطه زلف آباد فراهان». مجله پژوهش های باستان شناسی ایران، دوره ۱۰، ش. ۲۶ (۱۳۹۹): ۱۱۹-۱۴۰.
- نوری شادمهانی، رضا. تبیین جایگاه مشکویه (مشکین تپه) در فرایند تولید سفال ایران قبل از مغول. پایان نامه دکتری باستان شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- واتسون، الیور. سفال زرین فام ایرانی. ترجمه شکوه ذاکری. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
- Alan, C. S. *Tin glaze pottery in Europe and Islamic world*. London: Faber & Faber, 1973.
- Carboni S., Masuya, T. *Persian tiles*. New York: Metropolitan Museum of Art, 1993.
- Fehervari, G. *Ceramics of the Islamic world*. London: I.B Tauris Publishers, 2000.
- Jenkins, M. "Islamic Pottery: A Brief History": *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, v. 40, no. 4, 1983.
- Morgan, P. "Some Far Eastern Elements in Coloured-ground Sultanabad Wares". In *Islamic Art in the Ashmolean Museum, Oxford Studies in Islamic Art*, ed. James Allan, 2 vol., 19-43. Oxford: 1995.
- Pope, A.U. "Ceramic art in Islamic times, A History". in *A survey of Persian Art*, vol IV,

Tehran: Sroush, 1977.

Pradell, T., Molera, J., Smith, A.D., Tite, M. S. "Early Islamic lustre from Egypt, Syria and Iran (10th to 13th century AD)". *Journal of Archaeological Science*, vol. 35(2008): 2649-2662.

Rante, R., Collinet, A. *Nishapur Revisited, stratigraphy and ceramics of the Qohandez*. Oxford: oxbow Books, 2013.

Watson, O. *Ceramics from Islamic Lands*. Thames & Hudson Ltd, London, 2004.

Whitehouse, D., *Ceramics XIII, the Early Islamic Period, - 7th- 11th Centuries*, In *Encyclopedia Iranica*, Edited by Ehsan Yarshater, vol. V, California (Mazda Publishers).

Transliterated Bibliography

Allan, James Wilson. *Sufālgarī dar Khāvarmiyānīh az Āghāz tā Dūrān-i Īlkhānī dar Ashmolean Museum Oxford*. translated by Mahnāz Shāysthīfar. Tehran: Mū'assisa-yi Muṭālī'āt-i Hunar-i Islāmī, 2008/1387.

Amīr Ḥājīlū, Sa'īd va Ḥusayn Šidīqīyān. "Muṭālī'ih-yi Bāstānshīnākhtī Sufāl-hā-yi Dūrān-i Islāmī Muḥawwaṭa-yi Qal'ah Sang; Shahr-i Qadīm-i Sīrjān". *Pazhūhish-hā-yi Bāstānshīnāsī-i Irān*, Dūrih-yi 10, no. 25(2020/1399): 155-180.

Amīrī, Muṣayīb; Mūsavī Kūhpar, Sayyid Maḥdī va Farhang Khādīmī Nadūshan. Ṭabaqahbandī va Gūnihshīnāsī Sufāl-hā-yi Sāsānī-Islāmī Bīshāpūr, Muṭālī'ih-yi Mūrīdī: Sufāl-hā-yi Faṣl-i Nuhum-i Kāvush". *Muṭālī'āt Bāstānshīnāsī*, Dūrih-yi 4, no. 1(2012/1391): 1-32.

Anvārī Muqqadam, Amīr; Farjāmī, Muḥammad; Maḥmūdī Nasab, 'Alī Aṣghar va Muḥammad Rizā Surūsh. "Gūnihshīnāsī Sufāl-hā-yi Naqsh Afzūdih-yi Qal'ah Kūh Qāyn". *Nashriyeh-yi Hunar- hā-yi Zibā- Hunar- hā-yi Tajasumī*, Dūrih-yi 26, no. 4(2021/1400): 89-100.

Āzād, Nāšīr. *Naqshahbardārī Havāyī bā Pahbād Jahat-i Tahīyih-yi Naqsh-yi Tūpūgrāfī(Muṭālī'ih-yi Mūrīdī: Masīr-i Rāh va Masīr-i Ābrāh)*. Pāyānāmāh Kārshīnāsī Arshad 'Umrān, Mū'assisa-yi Āmūzish 'Ālī Pārs-i Razāvī, 2019/1398.

Chūbak, Ḥamīdīh. "Sufālīnīh-hā-yi Dūrān-i Islāmī Shahr-i Kuhan-i Jīrūft". *Majallah-*

yi Muṭālī'āt Bāstānshināsī, Dūrih-yi 4, no. 1(2012/1391): 83-112.

Dihkhudā, 'Alī Akbar; Afshār Shīrāzī, Aḥmad; Mu'īn, Muḥammad va Sayyid Ja'far Shahidī. *Lughatnāmah-yi Dihkhudā*. Tehran: Intishārāt-i Rawzanah, 1998/1377.

Duzham Khūy, Maryam. "Nazārī Ijmālī bar Sufāl Qālibzadih 'Aṣr-i Saljūqī". *Majallah-yi Bāstānpazhūh*, yr. 9, no. 15 (2007/1386): 27-31.

Faṣīḥ Khvāfī, Aḥmad ibn Jalāl al-Dīn Muḥammad. *Mujmal-i Faṣīḥī(al-Mujmal fi Tārikh)*. ed. Maḥmūd Farrukh. Mashhad: Kitābfurūshī Bāstān, 1960/1339.

Fehervari, Geza. *Sufālgārī Jahān-i Islām dar Mūzih-yi Tāriq Rajab Kuwait*. translated by Mahnāz Shāyistihfar. Tehran: Mū'assisa-yi Muṭālī'āt-i Hunar-i Islāmī, 2009/1388.

Grube, Ernst J. *Sufāl-i Islāmī*. translated by Farnāz Ḥā'irī, Tehran: Kārang, 2005/1384.

Ḥamawī, Yāqūt ibn 'Abd Allāh. *M'jam al-Buldān*. translated by Alī Naqī Munzavī Tehran: Intishārāt-i Sāzimām-i Mirās Farhangī Kishvar, 2004/1383.

Ḥusaynī, Hāshim. Muqāyisih-yi Ta'sīr-i Sufālgārī Chīn bar Irān Adwār Tiymūrī va Ṣafavī". Nashriyah-yi *Hunar-hā-yi Zībā- Hunar-hā-yi Tajasumī*, no. 41(2010/1389): 71-82.

Ḥusaynī, Rashtkhār, Sayyidih Zuhrih. *Zibāyishināsī Khaṭṭ-i Suls dar Katībih-yi Masjid-i Jāmi' Rashtkhār (Dūrih-yi Khārazmshāhiyān)*. Pāyānnāmih-yi Kārshināsī Arshad, Dānishkadīh-yi Hunar, University of Neyshabur, 2020/1399.

Jangī, Hāshim. *Rashtkhār dar Masīr-i Tawsī'ih-yi Pāydar*. Mashhad: Intishārāt-i Āhang-i Qalam, 2012/1391.

Kāmbakhsh Fard. Sayf Allāh. *Sufāl va Sufālgārī dar Irān az Ibtidāy Nūsangī tā 'Aṣr-i Hāzīr*. Tehran: Intishārāt-i Quqnūs, 2001/1380.

Kāmyāb, kāzim va Mahdī Falāḥ Mahnah. "Barrisī Tārikhī va Bāstānshinākhtī Shahr-i Jīzad Rashtkhār". In *Avalīn Kungirih Ustānī, Chahārumīn Kungirih Tārikh Mi'mārī va Shahr-sāzī Irān (Khurāsān Razavī)*, Mashhad: Mūzih-yi Khurāsān-i Buzurg, 2016/1395.

Karīmī, Fāṭimah va Muḥammad Yūsuf Kiyānī. *Hunar Sufālgārī Dūrih-yi Islāmī Irān*.

- Tehran: Vizārat Farhang va Āmūzish-i ‘Ālī, Markaz-i Bāstānshināsī Irān, 1995/1374.
- Kāshānī, Abū al-Qāsim. *‘Arāyis al-Javāhir va Nafāyis al-Aṭāyib*. ed. Īraj Afshār. Tehran: Silsilih Intishārāt-i Anjūman-i Āsār-i Millī, 1966/1345.
- Khākbāz, Insīyih va ‘Ābid Taqāvī. Muṭālī‘ih-yi Sufālīnih-hā-yi Muḥawwaṭa-yi Shāhnishīn Shahr Tārīkhī Firīm”. *Nashriyah-yi Justār-hā-yi Bāstānshināsī Irān Pish az Islām*. vol. 2, no. 1 (2017/1396): 103-119.
- Khusravī, Muḥammad Rizā. *Jughrāfiyā-yi Tārīkhī Vilāyat-i Zāvah*. Mashhad: Intishārāt-i Āstān-i Quds-i Razavī, 1987/1366.
- Kiyān Aṣl, Maryam. *Sufāl-i Irān*. Tehran: Nashr-i Dāyrih, 2008/1387.
- Masjidi khāk, Parastū va Amīr Ibrāhīmī. “Mu‘arifī Sufāl-hā-yi Naqsh Kandih va Naqsh Afzūdih-yi Muḥawwaṭa-yi Islāmī Jīzad Shahristān-i Rashtkhār”. *Sivumīn Hamāyish-i Millī Naqsh-i Khurāsān dar Shukūfāyī Hunar va Mī‘mārī Irānī Islāmī*, Mashhad: Mū‘assisa-yi Āmūzish ‘Ālī Firdūs, 2021/1400: 1-17.
- Muḥammadī, Maryam va Muḥammad Sha‘banī. “Mu‘arifī va Taḥlīl-i Sufāl-hā-yi Dūrān-i Islāmī Muḥawwaṭa-yi Zīnūābād-Bahār, Hamidān”. *Majallah-yi Pazhūhish-hā-yi Bāstānshināsī*, no. 11, Dūrih-yi 6, (2016/1395): 135-150.
- Muḥammadī, Maryam va Muṣṭafā Rizā ī. “Barrisī va Taḥlīl-i Gūnihshināsī Sufāl-hā-yi Muḥawwaṭa-yi Andājīn Dasht-i Hamidān dar Advār Saljūqī va Īlkhānī”. *Majallah-yi Bāstānshināsī Dūrān-i Islāmī*. no. 3 (2021/1400): 95-116.
- Murtizāyī, Muḥammad. *Guzārish-i Muqaddamātī Nakhustīn Faṣl-i Kāvsuh-hā-yi Bāstānshinākhtī dar Muḥawwaṭa-yi Jurjān*. Guzārish-hā-yi Bāstānshināsī 3, Tehran: Sāzimān-i Mīrās-i Farhangī Ṣanāyī‘-i Dastī va Gardishgarī, 2004/1383: 155-188.
- Nī‘matī, Muḥammad Rizā; Ismā‘īl Sharāhī va ‘Alī Ṣadrā ī. “Pazhūhishī dar Sufālīnih-hā-yi Qālibzadih Muḥawwaṭa-yi Zulfābād Farāhān”. *Majallah-yi Pazhūhish-hā-yi Bāstānshināsī Irān*, Dūrih-yi 10, no. 26(2020/1399): 119-140.
- Nūrī Shādmahānī, Rizā. *Tabyīn-i Jāyghāh-i Mushkūyah(Mishkīn Tapih) dar Farāyand-i Tūlīd Sufāl-i Irān Qabl az Mughūl*. Pāyānnānih Dukturī Bāstānshināsī, University of Tehran, 2010/1389.

Pope, Arthur. *Siyri dar Hunar-i Irān az Dūrān-i Pish az Tārikh tā bi Imrūz*. translated by Najaf Daryābandarī. Tehran: Intishārāt-i ‘Ilmī va Farhangī, 2008/1387.

Porter, Venetia. *Kāshī-hā-yi Islāmī*. translated by Mahnāz Shāyistihfar. Tehran: Majmū‘ih Āsār-i Hunar-i Islāmī, Intishārāt-i Mū‘assisa-yi Muṭālī‘āt Hunar Islāmī, 1992/1371.

Qavīdil, Ghulāmriżā; Raḥīmī, Ḥusayn va Javād Muḥsinniyā. *Jughrāfiyā-yi Shahrīstān-i Turbat-i Haydariyah: bi Inzīmām-i Shahrīstān-i Rashtkhār va Mahvalāt*. Mashhad: Intishārāt-I Uqlīdis, 2007/1386.

Raḥmānpūr, Ḥasan. *Jughrāfiyā-yi Tabī‘ī, Insānī va Iqtisādī Sahrīstān-i Rashtkhār*. Mashhad: Mīnūfar, 2017/1396.

Raḥmānpūr, Ḥasan. *Jughrāfiyā-yi Tārikhī va Gardishgarī Sahrīstān-i Rashtkhār*. Mashhad: Mīnūfar, 2017/1396.

Rawḥānī, Ḥamīd Riżā. “Gūnihshināsī Kāsīh-hā-yi Sufālīn Sulṭān Ābād dar ‘Aṣr-i Īlkhānī az Tāriq-i Tahlīl va Taṭbīq-i Shikl-i Badanīh va Taz‘īnāt”. *Faṣlnāmah-yi ‘Ilmī-Pazhūhishī Nigarīh*, no. 31(2014/1393): 61-75.

Ṣāliḥī Kākḥkī, Aḥmad; Ṣidīqiyān, Ḥusayn va Majīd Muntazar Zuhūrī. “Barrisī Ravand-i Tavlid Sufālīnīh-hā-yi Ābī va Sifid dar Irān ṭayy Advār-i Mukhtalīf Islāmī”. *Dū Faṣlnāmah-yi Pazhūhish-i Hunar*, yr.3, no. 5 (2013/1392): 1-13.

Sharīfī, Firishtih va Muḥammad Ibrāhīm Zārī‘ī. “Barrisī va Muṭālī‘ih-yi Sufāl-hā-yi Dūrān-i Islāmī Dasht-i Qurvah Ustān-i Kurdistān”. *Muṭālī‘āt Bāstānshināsī Pārsīh*, yr. 15, no. 15 (2021/1400): 189-211.

Shāṭirī, Mītrā; Lālih, Ḥāydh; Chūbak, Ḥamīdh. “Bāznigarī dar Ṭabaqahbandī va Tārikhguzarī Sufāl Gūnih Naqsh Kandīh dar Gilābah (Sgraffiato) dar Irān-i Dūrih-yi Islāmī”. *Majallah-yi Pazhūhish-hā-yi Bāstānshināsī Irān*, Dūrih-yi 9, no. 21 (2019/1398): 173-188.

Ṣidīqiyān, Ḥusayn; Sharāhī, Ismā‘īl va Satār Khālidīyān. “Muṭālī‘ih-yi Muḥawwaṭa-yi Zulfābād Farāhān bar Asās-i Dādīh-hā-yi Gumānihzanī va Barrisī Saṭḥī”. *Majallah-yi Pazhūhish-hā-yi Bāstānshināsī Mudaris*, yr. 1, no. 2 (2009/1388): 130-142.

Tawhīdī, Fā īq. *Fan va Hunar-i Sufālgarī*. Tehran: Intishārāt-i Samt, 2006/1385.

Tawhīdī, Fā īq. *Guzārish-i Sabt-i Shahr-i Bāstānī Jj*. Tehran: Vizārat-i Farhang va Hunar, 1973/1352.

Watson, Oliver. *Sufāl-i Zarrīnfām Irānī*. translated by Shukūh Zākiri. Tehran: Intishārāt-i Surūsh, 2003/1382.

Zanganīh Ibrāhīmī, Javād. *Barrisī Bāstānshināsī Shahrīstān-i Rashtkhār*. Mashhad: Ārshīv Mīrās-i Farhangī-i Mashhad, 2013/1392.

Zanganīh Ibrāhīmī, Javād. *Barrisī va Tahllīl-i Istīqrār-hā-yi Dūrih-yi pīsh az Tārīkh Rashtkhār bi Kumak-i Sīstīm Itilā'āt-i Jughrāfiyā-yi (GIS)*. Pāyānnāmih-yi Kārshināsī Arshad Bāstānshināsī, Dānishkadīh-yi Adabiyāt va 'Ulūm-i Insānī, University of Neyshabur, 2016/1395.

Zārī'ī, Muḥammad Ibrāhīm va Muḥammad Sha'bānī. "Barrisī va Tahllīl-i Gūnihshināsī Sufālīnīh-hā-yi Āghāz Dūrān-i Islāmī tā Pāyān-i Dūrih-yi Šafavī Manṭaqih-yi Hamidān". *Majallah-yi Muṭālī'āt Bāstānshināsī Pārsīh*, yr. 3, no. 8(2019/1398): 109-126.

Zārī'ī, Muḥammad Ibrāhīm; Khāksār, 'Alī; Mutarjīm, 'Abbās; Amīnī, Farhād va A'zam Dīnī. "Barrisī va Muṭālī'ih-yi Sufāl-hā-yi Dūrih-yi Īlkhānī bi dast Āmadīh az Kāvush-hā-yi Bāstānshināsī Arzānfūd". *Muṭālī'āt Bāstānshināsī*, Dūrih-yi 6, no. 2(2014/1393): 73-90.